

**Analysis of the subject and function of intertextual poems
in folk literature based on the *Mahboubeh al-Qulub* story
collection by Mirza Barkhordar Farahi***

Safiyollah Taheri

PhD student in Persian language and literature, Najafabad Azad University

Dr. Shahrzad Niazi¹

Assistant professor of Persian language and literature, Najafabad Azad University

Dr. Mahboobe Khorasani

Associate professor of Persian language and literature, Najafabad Azad University

Abstract

Mahboubeh al-Qulub, written by Mirza Barkhordar bin Mahmud Turkman Farahi, is one of the popular fictional works of the Safavid era which, like *Kelileh and Demneh*, includes moral, social, counseling, instructive, romantic, and narrative-like stories. In this article, the story book has been studied and analyzed in terms of its subject and prose function according to the poems that have been inserted in the text. The research method is descriptive-analytical and based on library resources. All of the poems used in the text of the story are extracted and analyzed according to their content and the quality of their connection to the prose text. The result of the research show that these poems can be conceptually classified into six categories with different frequencies based on the type of the subject including ethics, description, advice, wisdom, love, prayer and praise, respectively. This statistic indicates that folk tales have educational purposes and are not merely entertaining. In terms of the quality of the relationship between the poems and the prose text of the story, four roles or functions have been identified including confirmation, emphasis, completion and description. The verses that have the role of completing the

* Date of receiving: 2020/11/6

Date of final accepting: 2021/5/17

1 - email of responsible writer: navisa_man@yahoo.com

story, description, emphasis and confirmation are used at the rates of 52.23%, 20.16%, 17.16% and 10.46%, respectively. The proverbial verses also make up 24.63% of the total verses.

Keywords: Mahboob al-Qulub, Mirza Barkhordar Farahi, Intertextual poems, Folk story, Safavid literature.



فصلنامه علمی کاوش‌نامه

سال بیست و دوم، زمستان ۱۴۰۰، شماره ۵۱

صفحات ۱۰۳-۱۳۴

DOR: [20.1001.1.17359589.1400.22.51.3.9](https://doi.org/10.1001.1.17359589.1400.22.51.3.9)

تحلیل موضوع و کارکرد اشعار میان‌متنی در متون ادبیات عامه با

تکیه بر داستان‌های محبوب‌القلوب میرزا برخوردار فراهی*

(مقاله پژوهشی)

صفی‌الله طاهری اوروند

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد نجف‌آباد

دکتر شهرزاد نیازی^۱

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد نجف‌آباد

دکتر محبوبه خراسانی

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد نجف‌آباد

چکیده

محبوب‌القلوب تألیف میرزا برخوردار بن محمود ترکمان فراهی از آثار داستانی عامیانه عصر صفویست. شامل داستان‌های اخلاقی، اجتماعی، اندرزی، آموزنده، عاشقانه و از نظر ساختار روایی مانند کلیله و دمنه حکایت در حکایت است. در این مقاله، این اثر با توجه به اشعاری که در خلال متن درج و تضمین شده‌اند از لحاظ موضوع و کارکرد آن در نثر داستان بررسی و تحلیل گردیده است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای است؛ بدین صورت که مجموع اشعار به کاررفته در متن داستان استخراج گردیده و با توجه به محتوای اشعار و کیفیت ارتباط و پیوستگی آنها با متن داستان بررسی و تحلیل شده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که موضوع‌های این اشعار با توجه به محتوای داستان، به شش دسته طبقه‌بندی می‌شود که بر اساس میزان کاربرد، به ترتیب، موضوع اخلاق، توصیف، اندرز و حکمت، عشق، دعا، مدح بیشترین بسامد را دارند. این آمار بیانگر این است که داستان‌های عامیانه اهداف تعلیمی و پرورشی دارند و صرفاً جنبه سرگرم‌کنندگی ندارند. به لحاظ کیفیت، ارتباط اشعار با متن داستان چهار نقش یا کارکرد استنباط

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۲۹

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵

^۱ - نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: shahrzadniazi81@gmail.com

شده است: تأیید، تأکید، تکمیل، توصیف. ابیاتی که نقش تکمیل داستان را دارند با ۵۲/۲۳ درصد بالاترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند و در رتبه دوم ابیات با کارکرد توصیف ۲۰/۱۶ درصد و ابیات با کارکرد تأکید ۱۷/۱۶ درصد در رتبه سوم و ابیات با کارکرد تأیید با ۱۰/۴۶ درصد در مرتبه چهارم قرار می‌گیرند. ابیاتی که ضرب‌المثل شده‌اند نیز ۲۴/۶۳ درصد از کل ابیات را تشکیل می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: محبوب‌القلوب، میرزابرخوردار فراهی، اشعار میان‌متنی، داستان‌عامیانه، ادبیات صفویه.

۱- مقدمه

ادبیات داستانی عامیانه، عنوان کلی برای همه روایت‌های تخیلی، سرگرم‌کننده و آموزنده است که در قالب نظم و نثر به صورت مکتوب یا شفاهی، در کنار ادب رسمی، در میان مردم رواج دارد. این گونه ادبی به آن دسته از آثاری گفته می‌شود که محتوا و مضمون، سبک نگارش، مخاطبان و شکل ارائه آنها عامه‌پسند و در میان مردم رایج باشد.

محمدجعفر محبوب به طور مشخص قصه‌های مکتوبی را که از زبان قصه‌گویان شنیده شده، مثل شاهنامه، رموز حمزه و حسین کرد شبستری یا امیرارسلان، چهل طوطی و ... را داستان عامیانه می‌داند و ضمن تأکید بر طبقه‌بندی داستان‌های عامیانه، منطقی‌ترین روش را، روش موضوعی در نظر گرفته و داستان‌ها را چنین تقسیم‌بندی می‌کند: داستان‌های حماسی، عاشقانه، دینی، اجتماعی، تخیلی، تعلیمی، افسانه‌ها و ... (ر.ک.: محبوب، ۱۳۹۳: ۱۱۶)؛ اما این طبقه‌بندی صرفاً موضوعی نیست و برخی از این تقسیم‌بندی به موضوع ربطی ندارد، بلکه به نوع حوادث داستان مرتبط است (ر.ک.: امیدسالار، ۱۳۹۳: ۳۱۳-۲۹۹).

داستان و قصه‌های ایرانی از کهن‌ترین نمونه‌های اصیل تفکر و تخیل مردم ایران است که در گذشته بیشتر به صورت شفاهی و در قالب نقلی در میدان‌ها، قهوه‌خانه، کوچه و خیابان و ... متداول بوده و قصه‌گو و شاهنامه‌خوان و یا راوی با مهارتی خاص، آنها را بیان می‌کرده است. هدف از این آثار تسکین دردها و آلام بشری و پرورش روح و روان

انسان است و اگرچه به طور واضح و آشکار قصد پند و اندرز ندارد، به آموزش و پرورش و به جنبه‌های زیبایی‌شناسی نیز اهمیت می‌دهد. سرگرم کردن و برانگیختن هیجان مخاطب از اهداف بیان قصه‌های عامیانه است که به صورت نقلی و همراه با موسیقی بیان می‌شده است.

در عهد صفوی، با رواج نقلی و شاخه‌های مختلف آن، نظیر: شاهنامه‌خوانی، حمله‌خوانی، روضه‌خوانی و سخنوری، داستان‌های عامیانه در مرکز توجه قرار گرفت و در دوره قاجار با تأسیس قهوه‌خانه‌ها نقلی و قصه‌خوانی به قهوه‌خانه‌ها راه یافت (ر.ک.: تمیم‌داری، ۱۳۹۳: ۱۲۸) و کم‌کم این آثار به رشته تحریر درآمد و در دسترس محققان برای تحقیقات ادبی و جامعه‌شناختی و روان‌شناختی و فولکلورشناسی قرار گرفت.

اولین تحقیقات در ادب عامه از دوره قاجار آغاز می‌شود. داستان‌های عامیانه شاخه‌ای از فرهنگ عامه به شمار می‌آیند و تحقیقات بی‌شماری درباره آنها انجام شده است. یکی از ویژگی‌های نثر فارسی که در مراحل کمال نثر فنی توجه نویسندگان را به خود جلب می‌کند درج و تضمین امثله و اشعار در خلال نثر است. بهره‌گیری از شعر و ذخائر ادبی در شئون مختلف زندگی از دیرباز مورد توجه مردم بوده است. نویسندگان داستان‌ها نیز از شعر برای غنای بیشتر آثار خود استفاده کرده‌اند.

آثار داستانی عامیانه نیز از این ویژگی خالی نیست و حاوی اشعار و ضرب‌المثل‌های فراوانی است که در نثر داستان خودنمایی می‌کند. این شیوه در اقسام نثر بجز نثرهای علمی به کار رفته است و حتی در برخی متون نیز شعر بر نثر غلبه دارد. نمونه این سبک در گلستان سعدی، مرزبان‌نامه، کلیله و دمنه، تاریخ جهانگشا و ... دیده می‌شود. تحقیق درباره این اشعار در متون ادبی و به‌خصوص ادبیات داستانی اهمیت دارد. از این رو، هدف اصلی این مقاله بررسی ابیات میان‌متنی در داستان‌های عامه و در این جستار اختصاصاً داستان محبوب‌القلوب اثر میرزا برخوردار فراهی از حیث کارکرد و موضوع

است. نمونه‌ای از این درج و تضمین در داستان مورد نظر این پژوهش، محبوب‌القلوب، چنین است:

«بگوی که از فنون مسخرگی آگاهم. کلام تو وصف استعداد تو می‌نماید. احتیاج به ستودن خرد نیست.

عقل متکلم از کلامش پیداست از کوزه همان برون تراود که در اوست
(فراهی، ۱۳۷۳: ۳۳۹)

کوشش شده با استخراج اشعار موجود در این اثر، موضوع‌ها و چگونگی ارتباط این اشعار با متن داستان مشخص گردد.

۱-۱- پیشینه تحقیق

درباره داستان‌های عامیانه تحقیقات زیادی صورت گرفته است. مقاله‌های درخور توجه که در مواردی نیز به کتاب محبوب‌القلوب نیز پرداخته شده است عبارتند از:

اکبر صیادکوه و معصومه بهمه‌ای در مقاله «بررسی و تحلیل نقش و شخصیت زنان در محبوب‌القلوب میرزا برخوردار فراهی» (۱۳۹۵)، به نقش زنان و حضور آنها در جامعه و ابعاد مثبت و منفی شخصیت آنان اشاره کرده و جایگاه و نقش زن را در اجتماع دوره صفوی در کتاب محبوب‌القلوب مورد بررسی قرار داده است. یکی از مهم‌ترین نکته‌هایی که در این مقاله از مطالعه کتاب محبوب‌القلوب به آن اشاره شده است، دیدگاه نویسنده است که برخلاف بیشتر شاعران و نویسندگان قبل از او، زن جایگاهی والاتر و ارجمندتر دارد، اگرچه نویسنده به اختصار به نقصان عقل زنان نیز نظر داشته است.

شهریار حسن‌زاده در مقاله «نگاهی به ادبیات عامه در عصر صفوی» (۱۳۹۳)، به ادبیات عامه و ویژگی‌های آن و توجه خاص صفویان به فرهنگ عامه و اوضاع فرهنگی آن زمان، از قبیل گرامی‌داشت عید نوروز، مراسم عروسی، آداب معاشرت، توجه به

خوراکی و آشپزی، آموزش و پرورش آن دوره، نقلی و شعرخوانی در قهوه‌خانه‌ها، اشعار عوامانه، نثر عوامانه و ... اشاره مبسوطی شده است.

علیرضا ذکاوتی فراگزلو در مقاله «تصاویری از زندگی قرن دهم در داستان‌های میرزا برخوردار فراهی» (۱۳۹۳)، به شرحی درباره میرزا برخوردار فراهی و کتاب محبوب‌القلوب و بخش‌های آن پرداخته و همچنین به اقتباس نویسنده افسانه امیرارسلان نامدار از نام‌های شمس و قهقهه که در محبوب‌القلوب آمده و نیز دو شخصیت شمس وزیر و قمر وزیر در افسانه امیرارسلان اشاره کرده، در ادامه به برخی از تشبیهات، تعبیرات و استنادات و ... اشاره نموده است. نویسنده به استفاده میرزا برخوردار از کاربرد واژه‌های ترکی، تأثیر و استقرار و تثبیت در لفظ و معنا و مضمون و دخالت‌دادن روحیه مذهبی میرزا در افسانه‌پردازی، به اسارت‌بردن زنان ایرانی در حمله گرجیان در داستان رعنا و زیبا، استفاده از کاربرد باروت که از زمان تیمور مرسوم بوده، تمرین دو، شاطرها یعنی پیادگان و پیک‌های حکومتی در ساعات اول صبح در صحرا، صحنه‌آرایی، شخصیت-پردازی و قدرت توصیف در اکثر داستان‌های میرزا برخوردار، سیاست حکومت در عصر شاه طهماسب و ... پرداخته است.

منیره احمدسلطانی در مقاله «نگاهی به سیر قصه‌های عامیانه در دوره صفویه با محوریت رموز حمزه» (۱۳۹۲)، به ویژگی‌های قصه‌های عامیانه، ویژگی‌های نثر صفویه و درون‌مایه‌های آن، تمایل مردم در عصر صفوی به قصه و قصه‌خوانی و همچنین به ممنوع‌کردن بعضی از قصه‌ها مانند ابومسلم‌نامه از سوی حاکمان صفوی اشاره کرده است. در ادامه نیز نویسنده مقاله به داستان‌هایی که ریشه مذهبی داشته و مورد تأیید محافل مذهبی روزگار صفوی بوده؛ مثل رموز حمزه، مختارنامه، شامردان علی و ... که رواج داشته، اشاره نموده است. سپس، به بررسی مختصات سبکی پرداخته و نثر حمزه‌نامه را متفاوت و ناهماهنگ دانسته و سرانجام ویژگی‌های عمده قصه‌های عامیانه که در همه

کتاب‌های دوره صفوی؛ مثل ابومسلم‌نامه، رموز حمزه و حتی در کتاب‌های دوره بعد مثل محبوب‌القلوب دیده می‌شود، اشاره کرده است.

مسعود سپه‌وندی و معصومه ارشد در مقاله «نقد و بررسی عناصر عمده عامیانه در محبوب‌القلوب ممتاز فراهی» (۱۳۹۲)، به ویژگی‌ها و عناصر عمده داستان عامیانه محبوب‌القلوب از جمله، وجود قهرمان قصه در مقابل ضد قهرمان، مطلق‌گرایی شخصیت‌هایی قصه، یا خوب مطلقند یا بد مطلق، خرق عادت حوادث غیرقابل باور و خلق الساعه، داشتن پیرنگ ضعیف، کلی‌گویی، ایستایی شخصیت‌های قصه، زمان و مکان فرضی، هم‌سانی قهرمان‌ها در سخن گفتن، سرنوشت محتوم شخصیت‌ها، شگفت‌انگیزی ناشی از حوادث خلق‌الساعه، استقلال‌یافتگی حوادث اپیزودی و کهنگی، تعریف قصه و چگونگی پیدایش قصه‌های عامیانه، ویژگی‌های نثر دوره صفویه و ویژگی‌های عمده قصه‌های عامیانه در محبوب‌القلوب و... اشاره کرده است.

محمد دشتی در مقاله «قصه‌های عامیانه در عصر صفوی» (۱۳۷۸)، به مشهورترین قصه‌های عامیانه عصر صفوی و ویژگی‌های آن پرداخته و ضمن ارائه مطالبی در این باره به قصه‌هایی که رنگ دینی و مذهبی دارند و در آنها از مبالغه و اغراق استفاده شده، اشاره نموده و قصه‌هایی چون ابومسلم‌نامه که رنگ تشیع به خود گرفته و سپس با اشاره به مفاسد عصر صفوی و مواد افیونی در آن زمان به حجیم‌بودن قصه‌ها از جمله رموز حمزه، کتاب بوستان خیال، اسکندرنامه و... اشاره کرده و در پایان، سه قصه از قصه‌های معروف عصر صفوی یعنی اسکندرنامه، حمزه‌نامه و حسین کرد را معرفی کرده و سپس به شرح مختصری درباره آنها پرداخته است.

پرویز ادکایی در مقاله «نقد کتاب محبوب‌القلوب داستان‌های میرزا برخوردار فراهی» (۱۳۷۴)، کتاب محبوب‌القلوب میرزا برخوردار فراهی را مورد نقد قرار داده و اظهار داشته که میرزا برخوردار یک رشته داستان‌های کوتاه و بلند را با نثر متکلف و مصنوع تحریر نموده است. این حکایات گاه به شیوه کلیله و دمنه، هزار و یک شب، انوار سهیلی و غیره

با استفاده از صنایع ادبی از جمله افتنان که از این شاخه به آن شاخه پریدن، حکایت در حکایت و قصه در قصه آوردن‌هاست. فراهی با نقل این داستان‌ها تصاویری از محیط زمان خود را به تصویر کشیده است. مثلاً، زن نقشی فعال و پویا دارد و از بدبینی سنتی در داستان‌های کهن نسبت به زن کمتر نشانی هست. داستان‌های جنّ و پری و حیوانات در این کتاب جنبه نمادین و طنزآمیز پیدا کرده که از این جمله می‌توان به داستان فرخ‌روز و داستان گربه و شیر و جز اینها اشاره کرد.

همچنین در باب اشعار پراکنده در متون ادبی علی صفری آق قلعه در کتاب «اشعار فارسی پراکنده در متون تا سال ۷۰۰ هجری» (۱۳۹۵)، دو جلد، اشعار متون فارسی چاپ شده تا قرن هفتم را گردآوری نموده است که این اثر صرفاً جمع‌آوری اشعار است و جنبه تحلیلی ندارد. از این رو در موضوع این مقاله تحقیق مستقلی صورت نگرفته است.

۲- بحث

۲-۱- داستان محبوب‌القلوب

این کتاب شامل داستان‌های اخلاقی، اجتماعی، اندرزی، آموزنده، عاشقانه و مانند کلیله و دمنه حکایت در حکایت است. در روزگار صفویان میرزا برخوردار بن محمود ترکمان فراهی که به منشی‌گری اشتغال داشته، آن را تألیف نموده است. میرزا ابتدا بخشی از این کتاب را در سال (۱۰۲۹-۱۰۰۷ هـ. ق) نوشت و چون مورد پسند واقع گردید، مطالبی بر آن افزود و آن را «محفل‌آرا» نامید، اما به دلیل سرقت آن کتاب و مشکلات دیگر، دوباره آن را از اول نوشت و این بار آن را در هفت بخش تنظیم نمود و «محبوب‌القلوب» نام نهاد. محبوب‌القلوب محصول اواسط دوران صفوی است و از اوضاع اجتماعی آن عصر نشان‌ها دارد.

معروف‌ترین داستان این مجموعه شمسه و فهقه است. شخصیت دیوانی او سبب شد داستان‌های خود را به نثر مصنوع بنویسد چنانکه نثر محبوب‌القلوب شبیه به نثر تاریخ و صاف و درّه نادره است (ر.ک.: شمیسا، ۱۳۸۰: ۲۲۹).

میرزا برخوردار بعضی عبارات و محاورات عامیانه را در کتاب خود وارد کرده و این با نظر و با نثر مغلّ و مصنوع او متناقض می‌نماید؛ اما حقیقت این است که نثر میرزا برخوردار غالباً در ابتدای فصل‌ها بسیار پیچیده و پر از مکررات و تتابع اضافات و عربی‌های دشوار و استعارات مرکب و نمونه‌ای از اطّاب بلکه اسهاب است، به طوری که خواننده عادی سر رشته را گم می‌کند. اما وقتی وارد داستان‌پردازی می‌شود، به تدریج قلمش سلیس و روان می‌گردد و نوشته‌اش نمکین و شاعرانه می‌نماید (فراهی، ۱۳۷۳: ۷-۶).

۲-۲- درج و تضمین اشعار و امثله در نثر

درج و تضمین اشعار و امثله از مهم‌ترین ویژگی‌های نثر فارسی بوده که ابتدا، به شکل یک رکن استدلالی و به منظور اثبات نظر گوینده به عنوان شاهد مثال کاربرد داشته است و هم‌اکنون بیشتر مردم به منظور قبولاندن نیت و سخن خود به دیگران از این روش استفاده می‌کنند. این شیوه از دیرباز برای بیان بهتر و واضح مطلب مورد نظر، به کار گرفته می‌شده است. استشهاد و اقتباس از قرآن و احادیث به منظور تأیید و تأکید و نه برای زینت آرایش کلام تا اواخر قرن سوم هجری در نثر عربی معمول بود، اما کم‌کم صورتی دیگر پیدا کرد و به عنوان رکنی زینتی در اقسام مختلف نثر به کار رفت.

در متون نثر فارسی، تنوع در اقتباس آیات و احادیث، بیش از نثر عربی است؛ زیرا در نثر عربی، مراعات این فن از جهت کیفیت اتصال با رشته نثر نیاز به رعایت دقایق فنی خاصی در نثر فارسی دیده می‌شود نبود، و به آسانی به رشته نثر می‌پیوست، اما در نثر فارسی اختلاف لغت و زبان موجب می‌شد تا در کیفیت استقرار جمل و عبارات

عربی، در متن فارسی، دقایق و شرایط فنی خاصی به کار رود که در نثر عربی بدان نیازی نبود.

اقتباس به صورت رکنی زینتی در زبان فارسی از نیمه دوم قرن پنجم هجری قمری آغاز شد. قبل از آن هر چند مواردی از استشهاد و اقتباس در نثر فارسی دیده می‌شود، اما در اکثر نزدیک به تمام موارد، معنی آن را طلب می‌کرد، و به اقتضای معنی به کار می‌رفته است نه برای زیبایی و آرایش کلام. این فن برای نخستین بار به صورتی کاملاً متکلف و دور از مسیر تطوّر طبیعی نثر فارسی و با تقلیدی کامل از اسلوب زبان عربی در آثار خواجه عبدالله انصاری به کار رفت (ر.ک.: خطیبی، ۱۳۶۶: ۱۹۹-۱۹۷).

حسین خطیبی درج و تضمین شعر در نثر را از دو جنبه مختلف مورد بحث و نقد قرار داده است:

نخست: از جهت کیفیت ارتباط لفظی شعر با نثر و درجات و اقسام مختلف آن؛ دوم: کیفیت ارتباط معنوی در میان عبارات و اشعار و چگونگی پیوستگی این دو با یکدیگر در رشته کلام. در مورد اول سه شیوه متمایز را بیان داشته است: (۱) پیوستن شعر به نثر بدون انتخاب و استعمال لفظ یا ترکیبی که آن دو را از یکدیگر جدا و متمایز نشان دهد. در این شیوه، شعر به طریق ارسال و اطلاق و بی هیچ گونه قطع و انحرافی دنباله معنی‌ای را که می‌باید به زبان نثر بیان گردد ادامه می‌دهد؛ (۲) پیوستن شعر به نثر به طریقی که جدا ساختن این دو از یکدیگر پیوستگی معنوی کلام را نمی‌گسلد، لیکن به گونه‌ای سست و ضعیف می‌کند چنانکه خواننده در انتظار آن است که در تأیید و تأکید یا توجیه و تشریح معنی کلام متممی داشته باشد؛ (۳) پیوستن نثر به شعر به صورتی که لفظاً و معنأً این دو را از هم جدا نشان دهد و معنی نثر بدون شعر نیز کامل و تمام باشد.

در مورد کیفیت ارتباط معنوی نیز به پنج نوع ارتباط قائل است: (۱) تتمیم و تکمیل؛ (۲) توصیف و دیگر مضامین و معانی شعری؛ (۳) تشبیه و تمثیل؛ (۴) تنظیر و تطبیق؛ (۵) توضیح یا تأکید یا تأیید (ر.ک.: همان: ۲۱۳-۲۲۲).

در این مقاله نیز اشعار موجود در نثر داستان محبوب‌القلوب بر اساس کارکرد لفظی و معنوی‌شان بررسی گردیده است که با توجه به استخراج اشعار و بررسی آنها در خلال متن موضوع‌های مختلف یافت شد و کارکرد اشعار بر اساس چهار نقش با ارائه شاهد مثال و بسامد آن تبیین گردید.

۲-۲-۱- طبقه‌بندی موضوعی اشعار

موضوع اشعار داستان شیرین و حکایت در حکایت محبوب‌القلوب به شش طبقه تقسیم می‌شود: اخلاقی، اجتماعی، تربیتی، اندرزی و حکمی، مدحی، دعایی، عاشقانه و توصیفی. هر موضوع با شاهد مثال و جدول و آمار مورد تحلیل و بررسی قرار داده شده است:

۲-۲-۱-۱- موضوع‌های اجتماعی، اخلاقی و تربیتی

میرزا برخوردار در این داستان به جنبه‌های اخلاقی، اجتماعی و تربیتی بسیار اهمیت داده، تا بتواند مسائل و مشکلات روزگار دوره صفویه را به خوبی ترسیم نماید. این دسته از ابیات، بیشترین کاربرد را در این داستان دارند.

برای نمونه: پادشاه از زیر چشم تفرس حال او نموده، این مرتبه پادشاه خاتم را به نزدیک او افکند. آن طفل برداشته، گرد از وی پاک کرده، بیوسید و از روی ادب تمام به همواری و آرام آورده، به هر دو دست خدمت شه‌ریار داد:

ادب، صاحب خویش را می‌رساند به اوج بلند اختری و سعادت
رسد با ادب را دمام نکوئی شود بی‌ادب پایمال ملامت
(فراهی، ۱۳۷۳: ۲۴-۲۳)

دو بیت بالا که در تکمیل عبارات ما قبل آن آمده‌اند، ابیاتی هستند که به نکات اخلاقی، تربیتی و اجتماعی اشاره دارند. در حقیقت این ابیات به منظور اثبات موضوع

مطرح شده و محتوای آن آورده شده‌اند. هدف از این ابیات، آموزش نکات اخلاقی و تعلیمی است.

و یا: و از آنجاست که از باب اخلاق گفته‌اند که سفر، صیقلی است که زنگ غفلت از مرآت حال مردان بزداید و هم کم تجربه‌ای را به مرتبه کامل عیار می‌رساند: بر فرزند از سیاحت مرد را شمع کمال چون گهر آید برون از بحر یابد اعتبار (همان: ۱۳۸)

در مثال بالا به موضوع‌های اخلاقی، اجتماعی و تربیتی اشاره شده که فرد از سفر و مشکلات آن در ارتباط و معاشرت با افراد جامعه دریافت و کسب تجربه می‌کند. هجرت و سفر در پختگی انسان اثر بسزایی دارد و آدمی را کامل‌تر و آگاه‌تر می‌کند.

جدول شماره ۱: آمار و درصد ابیات اجتماعی، اخلاقی و تربیتی

موضوع	کل ابیات	ابیات اجتماعی، اخلاقی	درصد
تعداد	۱۳۴	۵۶	۴۱/۸۰

با توجه به جدول و آمار فوق، کتاب محبوب‌القلوب یک اثر تعلیمی و آموزنده است. ابیاتی که در این داستان‌ها گنجانده شده، به منظور تأیید و تکمیل محتوای داستان بوده و نقش و اهمیت موضوع‌های تربیتی و اخلاقی را در زندگی نمایان می‌کند. این ابیات بر زیبایی سخن و جذابیت داستان افزوده است. این دسته از ابیات ۴۱/۸۰ درصد از کل ابیات کتاب را از لحاظ موضوع شامل می‌شوند و بالاترین رتبه را دارند که نشان‌دهنده ارزش و اهمیت این نوع ابیات است.

۲-۱-۲-۲- موضوع حکمت و اندرز

این دسته از ابیات رابطه نزدیک و پیوند عمیقی با ابیات اجتماعی و اخلاقی دارند و بر تعلیم و آموزش و اندرز تأکید دارند و بیانگر نوع تفکر جامعه و پایبندی مردم به دستورات اخلاقی است.

مثال: وقت آن است که نسیم شرطه مهت از مهب دلنوازی وزیدن آغاز نماید و معلم توجّهت از این گرداب اندوهم بیرون آورد. زیبا چون این مقالات شنید، حیران آن واقعه شده، با خود چنین اندیشید:

در اول کار، ز آخر اندیش تا لب نگری ز کرده خویش
چون رفت برون از کمان تیر کی بر گردد به سعی و تدبیر؟
(همان: ۳۵۰)

ابیات فوق به آثار و نتایج عاقبت‌نگری و تفکر در کارها اشاره دارد و به ما می‌آموزد که به آنچه که انجام می‌دهیم بیندیشیم. این ابیات با متن داستان تناسب و سنخیت دارند و نثر را با ایجاد احساس و تخیل به شعر نزدیک می‌کند.

مثال: «گفت: ای برادر الحق طبقه شعرا اکنون از سبب همکسی تو، به مراتب عالیه رسیده‌اند و زر شعرا امروز سکه رواج یافت که چون تو صرافی پای در دارالعیار سخندانگی گذاشته‌ای، شعرا را چرا بد نام می‌کنی؟ ... احتیاج به ستودن خود نیست.

عقل متکلم از کلامش پیداست از کوزه همان برون تراود که در اوست
انوری گفت: ای نور چهره بینش و دانش درست گفتی، نهایت،

هر بیشه گمان مبر که خالی است شاید که پلنگ خفته باشد
(همان: ۳۳۹)

نکته: میرزا برخوردار به اشتباه، بیت بالا را از انوری دانسته و به نام او نوشته است، در حالی که این بیت از گلستان سعدی است و میرزا دچار یک اشتباه تاریخی گردیده

است. بیت اوّل که ضرب‌المثل گردیده است به این مطلب اشاره دارد که سخن و کلام گوینده میزان عقل و آگاهی او را نشان می‌دهد و بیان شخص نشان از طرز تفکر او دارد.

جدول شماره ۲: آمار و درصد ابیات حکمی و اندرزی

موضوع	کلّ ابیات	ابیات حکمی و اندرزی	درصد
تعداد	۱۳۴	۲۲	۱۶/۴۱

بیت دوم نیز ضرب‌المثل گردیده و به ما اندرز می‌دهد که در انجام کارها اوّل اندیشه کنیم و عواقب کار را بسنجیم. جدول و آمار قبل، اهمیت و تأثیر ابیات اندرزی را نشان می‌دهد. آمیزش نظم و نثر به مثابه دو بال پرنده برای پروازند. هدف از آوردن ابیات در داستان‌ها، استشهاد و مهر قبولی بر نظر گوینده است و در حقیقت تأثیر و برتری و اهمیت نظم و شعر را می‌رساند. بر اساس آمار فوق، ابیات اندرزی ۱۶/۴۱ درصد از کلّ ابیات این کتاب را شامل می‌شوند.

۲-۲-۱-۳- موضوع‌های غنایی و عاشقانه

ابیات عاشقانه پیوند و ارتباط مشترکی در مسائل عاطفی با ابیات توصیفی دارند و در عاشقانه‌ها از توصیفات گوناگون استفاده می‌شود.

مثال: در این اثنا کنیزک حور طلعت، قمر صورت، شکر لبی، ترنج غبغی، ماه رویی، بنفشه مویی، سیم اندامی، طاووس خرامی؛

دو چشمش آفت دلهای پر غم دو ابرو سرنوشت هر دو عالم
سر و سر کرده سبزان کشمیر ملاحظت از لبانش چاشنی گیر

آفتابه در دست، از خانه بیرون آمد که از نهر، آب ببرد (همان: ۱۶۹)

در متن ابتدا به صفات کنیز و زیبایی‌های او پرداخته شده، سپس ابیاتی در اثبات آن آمده است که با هم تناسب و هماهنگی دارند. لازم به ذکر است که واژه‌هایی که در متن عبارات آمده به واژه‌های شعر نزدیکند و هماهنگی معنایی دارند.

و یا: «جانم زر خرید توست. آمده‌ام تا عذر آن ملاطفت بخواهم. مرا بیخودی‌های شراب نظاره آب و رنگ آن جمال غرقه بحر مدهوشی ساخته، گفتم: ای سرو سر فراز زبستان کیستی وی بیت انتخاب ز دیوان کیستی؟ ای بانوی حریم، نازگل وجودت دست پرورده چه گلستان و همای همایون فال هستیست تربیت یافته کدام آشیان است؟ (همان: ۸۷)

جدول شماره ۳: آمار و درصد ابیات عاشقانه

موضوع	کل ابیات کتاب	کل ابیات	درصد
تعداد	۱۳۴	۱۹	۱۴/۱۷

تنوع مباحث و مطالب بر ارزش و اهمیت کتاب افزوده است. آمار و درصد بالا نشان می‌دهد که ابیات عاشقانه نیز در این اثر جایگاهی دارند و داستان‌ها را دل‌انگیزتر و جذاب‌تر می‌کند. ابیات عاشقانه ۱۴/۱۷ درصد از کل ابیات این مجموعه داستان‌ها را تشکیل می‌دهند.

۲-۱-۲-۴- موضوع توصیف و حسب حال

توصیف نقش مهمی در قصه‌گویی و نقلی داشته است. در این داستان نیز این توصیفات با شعر بیان شده و قصه را طولانی‌تر کرده و با ایجاد حالت تعلیق در روایت داستان، مخاطب را در پی خود می‌کشاند و بر علاقه خواننده برای رسیدن به پایان ماجرا می‌افزاید.

این دسته از ابیات به توصیف اشخاص، حسب حال، توصیف مکان‌ها، اشیاء و توصیف جانوران تقسیم شده‌اند.

در توصیف اشخاص و حسب حال با توجه به خصوصیات و صفات ظاهری و باطنی، اخلاقی، جسمانی و به طور کلی ویژگی عمومی و خصوصی مورد تحلیل قرار می‌گیرند. در توصیف مکان‌ها و اشیاء به شرح و وصف باغ‌ها، دریاها، مناظر، جشن‌ها، مراسم، اشیاء گوناگون و... پرداخته شده است.

الف- توصیف اشخاص: در ابیات زیر به وصف زیبارویی اشاره دارد که بر تختی نشسته و زیبایی او را وصف می‌کند. مثال: شهریار چون این مژده شنید، شتابان بر بالای تخت برآمده، دید، رعنا صنمی، حوروشی، نقاب بر چهره افکنده، به هزار ناز و تمکین بر آن تخت غنوده.

بر اورنگ لطافت، نامداری زلیخا نسبتی، شیرین عذاری
قدش سروی ولی از ناز پر بار ز شیرینش کام عشق سرشار
(همان: ۵۵)

متن و ابیات بالا در تکمیل هم و به منظور توصیف معشوق آمده‌اند و نقش و اهمیت شعر را در ادای مطلب نشان می‌دهند که نثر و نظم در اینجا مکمل یکدیگرند. این ابیات با جملات قبل پیوستگی و اشتراک دارند و زیبارویی را وصف می‌کند که بر تختی نشسته که به حوری و زلیخا تشبیه شده و صفات ظاهری و پسندیده او را بیان می‌کند.

ب- حسب حال (بیان حال): در این مقوله به شرح حال و وقایع و حوادث روزمره مهم زندگی اشاره می‌شود، حسب حال و یا بیان حال شکلی از توصیف است که به یادآوری و شرح حال اوضاع گذشته یا زمان فعلی می‌پردازد. مثال: شخصی در خانه را گشود، مرا به اندرون برد و در را محکم بسته، تفقد حالم نمود، پرسید چه کسی؟ گفتم:

منم آواره‌ای از دست بخت خویش حیرانی چو کاکل در سواد تیره بختی دل پریشانی
زیار خویش دورم، به درد خویش رنجورم چو بلبل می‌سرایم در چمن آهنگ افغانی
(همان: ۲۰۰)

سطر قبل با دو بیت بعد، از نظر محتوا هماهنگ‌اند. شخص بداقبالی از وطن خود دور شده و با احوالی پریشان چون بلبل در باغ و چمن به آواز غمین مشغول است. در حقیقت آمیختگی و نزدیکی متن ادبی و شعر را نشان می‌دهد که متن را زیبا و جذاب‌تر می‌کند.

ج- توصیف مکان‌ها، اشیاء و...: مثال: توصیف باغ: آن شخص گفت: ای جوان، وقتی از اوقات باغبان طبعم باغچه‌ای در این حوالی مشتمل بر اشجار موزون و گل‌های الوان ترتیب داده، اکثر اوقات غنچه‌های شوق در دلم از تفرّجش می‌شکفت.
از لحاظ زبانی واژه‌های باغبان، باغچه، حوالی، اشجار، گل‌های الوان، تفرج و ... در متن با واژگان گلستان، گلزار، زندگانی، جوانی و ... که در بیت بعد آمده، تناسب و هماهنگی دارند و از نظر محتوا نیز ارتباط معنایی و درونی دارند.
گلستانی چو گلزار جوانی دل‌آراتر ز صبح زندگانی
(همان: ۱۸۵)

توصیف دریا: «هر دو سوار شده، مصمم سمت خان‌بالغ گردیدند. صبح را خورشید از جانب خاور نمایان گردید. همه وقت به سرعت هر چه تمام‌تر مرکب می‌رانند تالاب بحری رسیدند، سرشار و بی‌کنار.

نمودی هر حبابش آسمانی خطِ موج او چون کهکشانی
چو جنبیدی به هنگام تلاطم بگردیدی سرِ افلاک و انجم
(همان: ۳۴۹)

ارتباط معنایی بین جملات و ابیات وجود دارد. دریایی وسیع وصف شده که هر حباب آن به اندازه آسمانی و امواج خروشان آن مانند کهکشانی است که هنگام تلاطم دریا این امواج بر افلاک و ستارگان سر می‌سایند.

د- توصیف جانوران و ... : مثال، توصیف میمون: از قضا در آن جریره سیاه گوشی بود، کرتیل نام جادوی و عیار که سال‌ها حيله وری‌ها کرده و...، کرتیل گفت: روباهی است در این دشت، ابی چربال نام، با خرگوشی جفت شده، وی را نادره دختری به هم رسیده غزاله نام. به لطافت حسن و جمال یگانه و شهره آفاق و...، کرتیل گفت: فرزند خوانده‌ای دارم، از نجبای سلسله میمون، نام او مهتال و به همه صفت سرآمد اقران و امثال،

به قامت چو سرو و به عارض چو ماه به فهم و فراست قوی دستگاه
به اصل و نجابت بود بی‌نظیر صفاتش همه فرخ و دلپذیر
(همان: ۱۱۸-۱۱۶)

نثر این جملات از نظر محتوا به شعر نزدیک است. از نکات مهم که باید به آن اشاره نمود، این است که نثر و شعر مکمل خوبی برای یکدیگرند به طوری که کلام آهنگین و شعر تأثیر بیشتری بر شنونده دارد و این با هدف قصه‌گویی که تکیه آن بر احساسات تماشاگر است تا منطق او مطابقت دارد.

جدول شماره ۴: آمار و درصد ابیات توصیفی و حسب حال

موضوع	کلّ ابیات	توصیف اشخاص	حسب حال	توصیف مکان‌ها و اشیاء	توصیف جانوران و...	کلّ ابیات توصیفی
تعداد	۱۳۴	۹	۸	۸	۲	۲۷
درصد	۱۰۰	۶/۷۲	۵/۹۷	۵/۹۷	۱/۵۰	۲۰/۱۵

بر اساس جدول، آمار و درصد فوق ابیات توصیفی با ۲۰/۱۵ درصد در رتبه دوم جای دارند و به کیفیت، اثربخشی و حلاوت اثر افزوده است.

۲-۱-۵- موضوع مدح

در ابیات مدحی به حمد و ستایش پروردگار یکتا، نعت معصومین، مدح شاهان، پهلوانان، قهرمانان و... پرداخته می‌شود. در داستان محبوب‌القلوب تنها دو نمونه مشاهده گردید: انوری تا آن وقت کمتر به فکر شعر افتاده بود... بسم الله الرحمن الرحيم گفته، سر توکل به جیب تفکر فرو برده، این قصیده مشهور را در مدح سلطان طرح نموده که مطلعش این است:

تا دل و دست بحر کان باشد دل و دست خدایگان باشد^۲
(همان: ۳۳۸)

بیت بالا مطلع قصیده‌ای از انوری ابیوردی در مدح سلطان سنجر است. این بیت دو بار در صفحات (۳۳۸، ۳۴۰) داستان‌های محبوب‌القلوب برای تأکید و اهمیت موضوع تکرار شده است. همچنین ابیاتی دیگر در صفحات (۱۰۱ و ۳۴)، (۳۵۵ و ۴۱) نیز تکرار گردیده‌اند که برای اهمیت و توجه بیشتر به مطلب مورد نظر آمده‌اند.

جدول شماره ۵: آمار و درصد ابیات مدحی

موضوع	کل ابیات کتاب	ابیات مدحی	درصد
تعداد	۱۳۴	۲	۱/۵۰

کتاب محبوب‌القلوب اثری تعلیمی، اجتماعی، اخلاقی و تربیتی است. لذا در آن کمتر به ابیات مدحی پرداخته شده است. این ابیات ۱/۵۰ درصد از کل ابیات را تشکیل می‌دهند و پایین‌ترین بسامد را دارند.

۲-۱-۲-۶- موضوع دعا

ابیات دعایی که همراه با آرزو و درخواست حاجات از خداوند بیان می‌شود، در ابعاد گوناگون حین مشکلات و گرفتاری‌ها، خالصانه به درگاه خالق مطلق عرضه می‌شود. بعضی از این ابیات دعایی برای سلامتی و یا طول عمر و یا سعادت و موفقیت افراد بیان می‌شود. بعضی از دعاها نیز همراه شرط ادا می‌گردد.

مثال: این بگفت و از دیده اشک افشانده، سر به سجده دعا گذاشت، چون سر از سجده برداشت، باز به فرمان قادر بی چون آن سنگ حرکت کرده، قدری دیگر در آن غار گشوده شد. شخص سوم پیش نشست، رو به آستان مهین مراد بخش کرده، ملتجی به جبل‌المتین امید گشته، گفت:

امید نجات از تو داریم و بس نخواهیم امداد از هیچکس
(همان: ۳۸۵)

انسان در همه حال باید شکرگزار خالق خود باشد. دعا یکی از حلقه‌های اتصال به معبود است. راز و نیاز با خداوند اگر خالصانه باشد، تأثیرگذار است. دعا و متوسل شدن به خالق آرامش‌دهنده درون و التیام‌بخش غم‌ها و نگرانی‌هاست.

و یا: از آنجا که تاجر را به آن زن تعلق سرشاری بود، دود بیخودی از کانون دماغش صعود نموده، گریبان پاره کرد و از بیداد قاضی به خدمت سلطان شتافت و سر به سجده دعا گذاشته، گفت:

ای بلند اختر هم‌ایون فال چاکر درگهت بود اقبال
کرده جبری به بنده قاضی شهر که نکرده است با دُجاج، شغال
گفت سلطان، بگو تظلم را تا شوم واقف از حقیقت حال
(همان: ۴۹-۵۰)

در این متن نثر و عبارات به شعر نزدیکند و بین متن و ابیات قرابت معنایی و محتوایی وجود دارد. دعا یکی از نیازهای درونی است که در بهبود حالات انسان تأثیر دارد و افراد را در تنگناها، مشکلات و گرفتاری‌ها تسکین می‌دهد.

جدول شماره ۶: آمار و درصد ابیات دعایی

موضوع	کل ابیات کتاب	ابیات دعایی	درصد
تعداد	۱۳۴	۸	۵/۹۷

از ۱۳۴ بیت کتاب، ۵/۹۷ درصد آنها را ابیات دعایی تشکیل می‌دهد.

۲-۲-۲- طبقه‌بندی اشعار بر اساس کارکرد

بررسی چگونگی کاربرد شعر در خلال نثر میزان مهارت نویسنده را در به کارگیری ابیات و نقش ادبی و هنری این ابیات را در بافت داستان نشان می‌دهد. گاه نویسنده به هدف ابراز مهارت ادبی و لغوی و ایجاد زبان هنری اشعاری را در متن داستان درج می‌کند و شعر، شاکله متن را رقم می‌زند و گاه این امر بسیار ساده و ابتدایی به جهت افزودن بر جذابیت نقل حکایت و از این جهت که داستان‌های عامیانه در حقیقت همان افسانه‌های نقلان است که به رشته تحریر درآمده و در نقالی شعر و نثر به هم آمیخته است، گنجانده می‌شود.

در داستان محبوب‌القلوب بنظر می‌رسد ابیات موجود نقش دوم را ایفا می‌کند و جنبه ابداعی و ابتکاری ندارد که اثر را به یک داستان هنری و ادبی نزدیک سازد. با توجه به تحلیل‌های انجام شده این ابیات در چهار کارکرد: تأیید، تأکید، تکمیل و توصیف تقسیم شده‌اند. کل ابیات این کتاب ۱۳۴ بیت است که در ادامه ضمن دسته‌بندی و تفکیک ابیات در دسته‌های یاد شده، همراه با تحلیل، آمار و درصد ارائه می‌گردند.

۲-۲-۱- کارکرد تأیید

این ابیات همان‌گونه که از نامشان پیداست برای تأیید، تثبیت و قبولاندن یک موضوع یا مطلب به کار می‌روند. این ابیات گواه و شاهدهی بر نظر گوینده یا نویسنده‌اند و چنانچه حذف گردند خللی به فهم مطلب وارد نمی‌شود. ابیات این بخش به گونه‌ای است که مضمون داستان را تلویحاً بیان می‌دارد و بیشتر جنبه تمثیل دارد.

مثال: پدر او را به چندین هنر و پیشه فرستاد و او را از هر کار کناره می‌جست تا او را به مکتب فرستاد، در فراگرفتن دروس و قواعد دانش کمال مساعی به ظهور رسانید تا رفته‌رفته از ادراک علوم متداوله بهره‌مندی کامل یافته، چنان شد که گوی برتری از امثال و اقربان ربوده، یکی از مشاهیر علمای عصر گردید.

هر چه در این پرده نشانت دهند
گر نستانی به از آنت دهند^۳
(همان: ۳۵۵)

بر اساس کارکرد، این بیت در تأیید متن قبل آمده است و نشانگر آن است که سعی و تلاش مستمر، نتایج مفید و عالی به دنبال دارد و به این نکته مهم اشاره دارد که انسان باید در پی مقامات معنوی ارزشمند باشد تا به سطوح علمی و معنوی بالا برسد.

و یا: از این دغدغه و توهم از لشکریان در همان سر دجله جدا شده، در لب آن دجله می‌رفت و اشک حسرت از دیده می‌افشانند و بدین شکل، مرکب می‌راند و می‌گفت:

نشد به بزم دلی، شمع بهجتی روشن
که تند باد حوادث نساخت خاموشش
به کس نداد فلک جرعه‌ای ز ساغر عیش
که عاقبت نکرد مدهوشش
(همان: ۱۴۶)

ابیات فوق با نثر هماهنگی و قرابت دارند و در تأیید موضوع آن ذکر شده است. مفهوم ابیات به شکایت از فلک کج‌رفتار اشاره دارد که گاه ناخوشایند است و بر وفق مراد نیست.

جدول شماره ۷: آمار و درصد ابیات تأییدی

موضوع	کل ابیات کتاب	ابیات تأییدی	درصد
تعداد	۱۳۴	۱۴	۱۰/۴۵

براساس آمار بالا، ابیات تأییدی ۱۰/۴۵ درصد از کل ابیات کارکردی را در این کتاب تشکیل می‌دهند و از لحاظ کارکرد کمترین بسامد را دارند.

۲-۲-۲-۲- کارکرد تأکید

این ابیات پیوستگی نزدیکی با ابیات تأییدی دارند و کارکرد آنها بیشتر بر تحکیم و تأکید و اثبات سخن و موضوع مورد نظر است. لذا اصرار و پافشاری زیادی بر قبولاندن یک موضوع دارد.

مثال: مجملاً آن که شهریار به هر یک از اطفال، انعامی مبدول فرمود و به یکی از خدام اشارت نمود که مادر و پدر این طفل را راضی کن تا او را به ما دهند که قابلیت تربیت دارد.

کودکِ هوشمند پاک گهر حیف باشد که تربیت نشود
رخ یاقوت تا نپردازند زیور تاج سلطنت نشود
(همان: ۲۴)

ابیات این مبحث به منظور تأکید بر عبارات ماقبل خود آمده‌اند و به این نکته تربیتی و اخلاقی اشاره دارند که افراد پاک و شایسته را می‌توان تربیت درست نموده و به جایگاه بالا رساند. وجود این گونه ابیات نشان از اهمیت شعر در ادای مطلب دارد.

و یا: اگر من بعد به گوشم برسانند که به اقدام چنین جزایی پرداخته‌ای، مورد سیاست و تنبیه بلیغ خواهی شد.

نظر کن به پایان کردار خویش بیندیش از آخر کار خویش
(همان: ۶۴)

بیت به منظور تأکید بر این نکته اخلاقی و تربیتی است که انسان در انجام هر کاری باید به عاقبت و نتیجه آن بیندیشد. آینده‌نگری و عاقبت‌اندیشی در دین اسلام و از سوی بزرگان دین و اهل علم تأکید شده است.

جدول شماره ۸: آمار و درصد ابیات تأکیدی

موضوع	کل ابیات کتاب	ابیات تأکیدی	درصد
تعداد	۱۳۴	۲۳	۱۷/۱۶

از مجموع ۱۳۴ بیت این کتاب، ۱۷/۱۶ درصد آنها را ابیات تأکیدی تشکیل می‌دهند. این ابیات از نظر کارکرد در رتبه سوم قرار دارند.

۲-۲-۳- کارکرد تکمیل

این ابیات برای کامل کردن موضوع و سخن مورد نظر کارآرایی دارد تا حق مطلب ادا شود و کلام برای همه روشن و واضح گردد.

مثال: قاضی چون از محکمه به خانه آمد و خانه را خلوت و آن جمیله را تنها دید،
عمامه شوق به آسمان افکنده، گفت:

صید مقصودی که من در آسمان می‌جستمی در زمین اکنون به دام بخت مسعودم فتاد
(همان: ۴۸)

بیت مذکور به منظور تکمیل جملات ماقبل خود آمده است و به این نکته اشاره دارد که هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد. همچنین آوردن شعر در این داستان‌ها اهمیت و تأثیرگذاری آن را بر نثر نشان می‌دهد.

و یا: روز صبر ملک سرافراز به شام رسید و طایر آرامش از سر پنجه شاهین بی‌قراری درآمده، گفت: ای مایه حیات و ای راوی داستان التفات:

عزم دیدار تو دارد جان بر لب آمده باز گردد یا بر آید، چیست فرمان شما؟
(همان: ۵۶)

این بیت زیبایی حافظ در تکمیل عبارات قبل آمده است که عاشق به محبوب خود ابراز احساس و علاقه می‌کند. نوعی هماهنگی محتوایی بین جملات و ابیات احساس می‌شود و سبب نزدیکی نثر به شعر گردیده است. این مطالب نشان می‌دهند که نفوذ و گیرایی شعر و کلام آهنگین از نثر بیشتر است.

جدول شماره ۹: آمار و درصد ابیات تکمیلی

موضوع	کل ابیات کتاب	ابیات تکمیلی	درصد
تعداد	۱۳۴	۷۰	۵۲/۲۳

ابیات تکمیلی بالاترین بسامد را در این اثر دارا هستند. ۵۲/۲۳ درصد از کل ابیات را ابیات تکمیلی در مبحث کارکرد تشکیل می‌دهند.

۲-۲-۲-۴- کارکرد توصیف

این ابیات به دلیل فراوانی کاربرد آن در خلال داستان به عنوان کارکرد جداگانه و تحت عنوان توصیف طبقه‌بندی شده‌اند. این توصیفات شامل توصیف افراد، مکان‌ها، اشیاء و حیوانات و جانوران است. نقش وصف در داستان برای تصویرگری و پیشبرد روایت و تجسم بخشیدن آن اهمیت دارد. گفته می‌شود در داستان‌های کهن توصیفات همانند داستان‌های امروز مورد توجه نبوده، اما بر اساس بررسی انجام شده در این مقاله، توصیف نقش مهمی در شکل‌گیری داستان دارد و می‌توان گفت تحریر داستان‌های عامیانه در

هدایت داستان‌نویسان امروز به نگارش داستان‌های مدرن با توصیفات دقیق نقش داشته است.

مثال برای توصیف دریا: صبح خورشید از جانب خاور نمایان گردید. همه وقت به سرعت هر چه تمام تر مرکب می‌رانند تا به لب بحری رسیدند، سرشار و بی‌کنار. نمودی هر حبابش آسمانی خط هر موج او چون کپکشانگی چو جنبیدی به هنگام تلاطم بگردیدی سر افلاک و انجم (همان: ۳۴۹)

و یا در توصیف میمون: از قضا در آن جزیره سیاه گوشی بود، کرتیل نام جادوی و عیار که سال‌ها... حيله وری‌ها کرده و...، کرتیل گفت: روباهی است که در این دشت، ابی چربال نام، با خرگوشی جفت شده، وی را نادره دختری به هم رسیده غزاله نام. به لطافت حسن و جمال و شهره آفاق و...، کرتیل گفت: فرزند خوانده‌ای دارم از نجبای سلسله میمون، نام او مهتال و به همه صفت سرآمد اقران و امثال، به قامت چو سرو و به عارض چو ماه به فهم و فراست قوی دستگاه به اصل و نجابت بود بی‌نظیر صفاتش همه فرخ و دلپذیر (همان: ۱۱۶-۱۱۷)

جدول شماره ۹: آمار و درصد ابیات توصیفی

موضوع	کل ابیات کتاب	ابیات توصیفی	درصد
تعداد	۱۳۴	۲۷	۲۰/۱۶

جدول شماره ۱۰: آمار و درصد کل ابیات پراکنده در محبوب‌القلوب بر اساس کارکرد

موضوع	کلّ ابیات	ابیات تأییدی	ابیات تأکیدی	ابیات تکمیلی	ابیات توصیفی
تعداد	۱۳۴	۱۴	۲۳	۷۰	۲۷
درصد	۱۰۰	۱۰/۴۵	۱۷/۱۶	۵۲/۲۳	۲۰/۱۶

بر اساس جدول بالا، ابیات تکمیلی با ۵۲/۲۳ درصد در رتبه اول، ابیات توصیفی با ۲۰/۱۶ درصد در رتبه دوم، ابیات تأکیدی با ۱۷/۱۶ درصد در رتبه سوم و ابیات تأییدی با ۱۰/۴۵ درصد در رتبه چهارم قرار می‌گیرند.

۲-۲-۳- ضرب‌المثل‌های شعری در محبوب‌القلوب

ضرب‌المثل‌ها نقطه پیوستگی ادب رسمی به ادب شفاهی هستند که در بردارنده حکمت و اخلاق و اندرزند. کوتاه و موجز و ارضاکنده احساسات و عواطف مخاطب هستند و تأثیر اقناعی کلام را دوچندان می‌سازند. معمولاً نویسندگان و شاعران برای تأیید و اعتبار نوشته خود، آیه، حدیث یا سخن و یا ابیاتی معروف از بزرگان و افراد صاحب نام می‌آورند تا استشهاد و مهر قبولی بر گفته‌های آنها باشد. میرزا برخوردار که خود نویسنده و شاعر بوده، نیز از ابیات شناخته شده و رایج بیشتر بهره‌برده است. ابیات ضرب‌المثل شده، حاصل پیام‌ها و سخنان حکمت‌آموز و اندرزی هستند که از ارزش‌ها و اهمیت بالایی برخوردارند و دانسته‌ها و تجربیات گذشتگان را به ما می‌آموزند.

مثال: طبع عاقل کجا تن در می‌دهد که به قلیلی انتفاع، بانی و محدث امر ممنوع

ناصوابی گردد؟ مگر نشنیده‌ای؟

تیغ دادن در کف زنگی مست به که آید علم ناکس را به دست

(همان: ۲۸۱)

و یا: بگوی که از فنون مسخرگی آگاهم. کلام تو وصف استعداد تو می‌نماید. احتیاج به ستودن خرد نیست.

عقل متکلم از کلامش پیداست از کوزه همان برون تراود که در اوست^۴
(همان: ۳۳۹)

جدول شماره ۱۱: آمار و درصد ضرب‌المثل‌های شعری

موضوع	کلّ ابیات کتاب	ابیات ضرب‌المثل	درصد
تعداد	۱۳۴	۳۳	۲۴/۶۳

بر اساس جدول، آمار و درصد بالا، میرزا برخوردار از ابیات تأثیرگذار که بیشتر جنبه ضرب‌المثل یافته‌اند، استفاده کرده است. ۲۴/۶۳ درصد کلّ ابیات این کتاب یعنی نزدیک به یک چهارم این ابیات، طبق جدول به شکل ضرب‌المثل درآمده‌اند. این دسته از ابیات به عبارات و مفاهیم مهم و ارزشمندی اشاره دارند که در یک بیت یا مصراع فشرده و گنجانده شده‌اند و پیام‌های آموزشی و تربیتی زیادی به همراه دارند.

۲-۲-۴- سراینندگان اشعار

میرزا برخوردار علاوه بر ابیاتی که خود سروده و در کتابش آورده، از شعر شعرای بزرگ دیگر نیز استفاده کرده است. این شعرا عبارتند از حکیم نظامی گنجه‌ای، انوری، باباافضل کاشانی، مولوی، سعدی، سلمان ساوجی، صائب تبریزی، سرخوش لاهوری، لطف‌الله نیشابوری، حافظ، جامی و... که میرزا یا ابیات آنها را مستقیم در محبوب‌القلوب آورده و یا با اندک تغییری و یا با گرفتن مضمون آن آورده است. سراینده بعضی از ابیات نیز یافت نشد.

۳- نتیجه‌گیری

نگارش داستان‌های عامیانه در عصر صفوی رشد و گسترش قابل توجهی یافت. از این دوره داستان‌های بسیار زیادی در دست است که غالباً چاپ نشده‌اند و نسخ خطی آنها در کتابخانه‌های جهان وجود دارد و استاد ذبیح‌الله صفا در تاریخ ادبیات خود (جلد ۵، بخش سوم) تعداد کثیری از آنها را معرفی کرده است. در این عناوین همه‌گونه داستان از مذهبی، تاریخی و عاشقانه به چشم می‌خورد.

داستان‌های عامیانه فارسی از نظر قالب، دارای انواع اصلی افسانه، اسطوره، حکایت و ... و از نظر انواع فرعی به انواع تمثیلی، پریان، پهلوانی، عاشقانه و ... تقسیم می‌شوند. از نظر ساختار روایی به داستان در داستان مانند کلیله و دمنه، هزار و یک شب، طوطی‌نامه و ... و از نظر سرگذشت‌نامه به داستان‌هایی مانند داراب‌نامه، ابومسلم‌نامه، حسین‌کرد و غیره تقسیم می‌شوند. از نظر مضمون و درون‌مایه به داستان‌های رزمی و پهلوانی‌ها مانند شاهنامه، اسکندرنامه، سمک عیار، داراب‌نامه و ... و همچنین از نظر اخلاقی، اندرزی و آموزشی به آثاری مانند ضامن آهو و نگار و ... تقسیم می‌شوند.

داستان‌های محبوب‌القلوب نیز بیشتر جنبه تعلیمی، اخلاقی و اجتماعی دارد. این قبیل داستان‌ها از جنبه‌های مختلف داستانی و محتوایی بررسی شده‌اند. در این مقاله، داستان محبوب‌القلوب با توجه به اشعاری که در خلال متن درج و تضمین شده از لحاظ موضوع و کارکرد آن در نثر داستان بررسی و تحلیل گردیده است.

موضوع‌های این اشعار با توجه به محتوای داستان به شش دسته طبقه‌بندی شده است که بر اساس میزان کاربرد به ترتیب موضوع اخلاق (۴۱/۸۰ درصد)، توصیف (۲۰/۱۶)، اندرز و حکمت (۱۶/۴۱)، عشق (۱۴/۱۷)، دعا (۵/۹۷)، مدح (۱/۵۰) بیشترین بسامد را دارند. این آمار بیانگر این است که داستان‌های عامیانه اهداف تعلیمی و پرورشی دارند و صرفاً جنبه سرگرم‌کنندگی ندارند. استخراج مسائل تعلیمی آن، تفکر جامعه و ارزش‌های

مورد قبول جامعه را نشان می‌دهند و در تقویت هویت فرهنگ ایرانی و اسلامی نقش بسزایی دارند.

به لحاظ زبانی و نقشی که این اشعار در خلال نثر داستان دارند با توجه به هدف نویسنده از قراردادن ابیات مورد نظر در متن داستان، چهار نقش یا کارکرد استنباط شده است: کارکرد تأیید، تأکید، تکمیل، توصیف.

ابیاتی که نقش تکمیل داستان را دارند با ۵۲/۲۳ درصد بالاترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند و نشان‌دهنده توجه نویسنده به احساسات و عواطف خواننده ایرانی است تا توجه به منطق او. این مسأله در قصه‌های کودکان که همراه با ترانه خوانده می‌شود نیز دیده می‌شود و بیانگر سنت داستان‌نویسی ایرانی و علاقه و توجه روح و عاطفه ایرانی به شعر فارسی است.

در رتبه دوم ابیات با کارکرد توصیف ۲۰/۱۶ درصد را به خود اختصاص داده است. توصیف نیز نقش مهمی در داستان‌گویی و نقلی که داستان‌های عامیانه تحریری از این نقلی‌ها هستند، ایفا می‌کنند. این توصیفات با شعر بیان می‌شده گویا نویسنده با آگاهی از این نکته که جملات طولانی در توصیف شیء یا شخص باعث ملال خواننده می‌شود برای جذابیت و رغبت مخاطب به خواندن ادامه داستان از شعر بهره می‌گیرد. ابیات با کارکرد تأکید با ۱۷/۱۶ درصد در رتبه سوم و ابیات با کارکرد تأیید با ۱۰/۴۶ درصد در رتبه چهارم قرار می‌گیرند.

ابیاتی نیز که ضرب‌المثل شده‌اند، ۲۴/۶۳ درصد از کل ابیات را تشکیل می‌دهند که نشان از اهمیت این نوع ابیات در نثر داستان دارد. تشبیه و تمثیل که ضرب‌المثل‌ها بخشی از این ابیات هستند در جهت اقناع مخاطب و پذیرش داستان و ایجاز که تحرک و پویایی داستان را رقم می‌زند نقش مهمی دارند.

سرایندگان اشعار نیز شناسایی شدند. شاعران چون: حکیم نظامی گنجه‌ای، انوری، باباافضل کاشانی، مولوی، سعدی، سلمان ساوجی، صائب تبریزی، سرخوش لاهوری، لطف‌الله نیشابوری، حافظ، جامی از جمله آنها هستند.

پی‌نوشت

۱-

هر بیشه گمان مبر که خالی است باشد که پلنگ خفته باشد
(سعدی، ۱۳۹۴، ۵۹)

۲- انوری، ۱۳۷۲، ۱۳۵.

۳-

هر چه در این پرده نشانت دهند گر نپسندی به از آنت دهند
(نظامی، ۱۳۸۶، ۲۱)

۴- این بیت با تغییراتی در دیوان باباافضل کاشانی، مولوی و شیخ‌بهای آمده است:
گر دایره کوزه ز گوهر سازند از کوزه همان برون تراود که در اوست
(باباافضل، ۱۳۶۳، ۱۰۰)

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. انوری ابیوردی، اوحدالدین علی (۱۳۷۲)، دیوان انوری، چاپ چهارم، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
۲. تمیم‌داری، احمد (۱۳۹۳)، فرهنگ عامه، چاپ سوم، تهران: مهکامه.
۳. حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۶۸)، به کوشش دکتر غنی و قزوینی، به کوشش عبدالکریم جریزه‌دار، چاپ دوم، تهران، اساطیر.
۴. خطیبی، حسین (۱۳۶۶)، فن نثر در ادب فارسی، تهران، انتشارات زوآر.

۵. سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۹۴)، گلستان سعدی، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، چاپ دوازدهم، تهران، خوارزمی.
۶. شمیسا، سیروس (۱۳۸۰)، سبک‌شناسی نثر، چاپ پنجم، تهران: میترا.
۷. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۹)، تاریخ ادبیات ایران، چاپ هفتم، تهران، فردوس.
۸. صفری‌آق‌قلعه، علی (۱۳۹۵)، اشعار پراکنده در متون تا سال ۷۰۰ هجری، جلد ۱ و ۲، تهران، انتشارات محمود افشار.
۹. فراهی، برخوردار بن محمود (۱۳۷۳)، داستان‌های محبوب‌القلوب، تحریر علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۱۰. محبوب، محمدجعفر (۱۳۹۳)، ادبیات عامیانه ایران، به کوشش حسن ذوالفقاری، چاپ پنجم، تهران، چشمه.
۱۱. نظامی‌گنجه‌ای، الیاس (۱۳۷۶)، خمسه نظامی، بر اساس نسخه وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ سوم، تهران، قطره.

ب) مقاله‌ها

۱. احمدسلطانی، منیره (۱۳۹۲)، «نگاهی به سیر قصه‌های عامیانه در دوره صفویه با محوریت رموز حمزه»، مجله تاریخ ادبیات، شماره ۷۳، صص ۱۹-۵.
۲. اذکایی، پرویز (۱۳۷۴)، «نقد کتاب محبوب‌القلوب میرزا برخوردار فراهی»، ماهنامه کلک، شماره ۸۰-۶۸، صص ۳۴۴-۳۴۳.
۳. امیدسالار، محمود؛ حسن ذوالفقاری (۱۳۹۳)، «ادبیات داستانی عامیانه»، مندرج در دانشنامه فرهنگ مردم ایران، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۱، چاپ دوم، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، صص ۳ - ۸.
۴. بیرنگ، محمدرضا (۱۳۹۶)، «بررسی ابعاد استشهاد به عنوان یک آرایه تعلیمی در منشآت قائم مقام در مقایسه با گلستان سعدی»، نشریه زبان ادب فارسی دانشگاه تبریز، سال ۷۰، شماره ۲۳۶، صص ۴۹-۴۲.

۵. حسن‌زاده، شهریار (۱۳۹۳)، «نگاهی به ادبیات عامه در عصر صفوی»، بهارستان سخن، سال یازدهم، شماره ۲۶، صص ۲۴۸-۲۲۱.
۶. دشتی، محمد (۱۳۷۸)، «قصه‌های عامیانه در عصر صفوی»، ادبیات داستانی، شماره ۵۲، صص ۱۱-۱۸.
۷. ذکاوتی قراگزلو، علیرضا (۱۳۹۳)، «تصاویری از زندگی قرن دهم در داستان‌های میرزا برخوردار فراهی»، کیهان فرهنگی، شماره ۶، صص ۲۸-۲۵.
۸. سپه‌وندی، مسعود و معصومه ارشد (۱۳۹۲)، «نقد و بررسی عناصر عمده عامیانه محبوب‌القلوب ممتاز فراهی، داستان عامیانه دوره صفوی»، مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد فسا، س ۴، ش ۲ (پیاپی ۹)، صص ۲۰-۱۲.
۹. صیادکوه، اکبر و معصومه بهمه‌ای (۱۳۹۵)، «بررسی و تحلیل نقش و شخصیت زنان در محبوب‌القلوب میرزا برخوردار فراهی»، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، سال هفتم، شماره سوم، صص ۹۰-۶۱.